

مصطفی
هجری در
گفتگو ...



روحانی
برای ملت
کرد ...



گزارشی
که توهم را
زدود



سلفیت
جهادی
و ...



ملت کرد
هزینه‌های
آزادی ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۱۶، چهارشنبه، ۱۵ آبان ۱۳۹۲، ۶ نوامبر ۲۰۱۳، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

حبیب‌الله گلپری‌پور، رضا اسماعیلی، شیرکو معارفی و ...

اعدام‌ها در کردستان ادامه دارد

سلفن

ناهدید حسینی

دیو اعدام

موج جدید اعدام فرزندان ملیت‌های کرد، بلوچ و عرب در ایران، در این روزها به مرحله‌ی خطرناکی رسیده و سوای مبارزین نستوهی که در این چند روز اعدام شده‌اند، هم‌اکنون خطر اعدام‌دها نفر دیگر نیز در میان است. این موج جدید کشتار فرزندان مبارز ملیت‌های تحت ستم ایران، احتمال می‌رود سرآغاز مرحله‌ای تازه از روند ارباب مردم باشد و گویای این حقیقت است که، حسن روحانی و احمدی‌نژاد و دیگر مهره‌های جمهوری اسلامی در رابطه با دمکراسی و حقوق ملیت‌های ایران، تفاوتی ندارند و همین نیز، دیدگاه بخشی از اپوزیسیون واقع‌بین رژیم به هنگام تنفیذ مقام ریاست جمهوری روحانی بود.

حسن روحانی، علیرغم بکارگیری زبانی متمایز از احمدی‌نژاد در سطح سیاست بین‌المللی، با کشتار گسترده‌ی زندانیان سیاسی کرد، عرب و بلوچ دگرپاره‌نشان داد که درندگی و انسان‌کشی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ سیاسی و اصول فکری جمهوری اسلامی است. به همین جهت با تعویض یک یا چند مهره در میان سطوح بالای حاکمیت، نه اعمال رژیم تغییر خواهد یافت و نه دریچه‌ای نو به سوی عقب‌نشینی و یا هرگونه کاهش فشار بر جامعه باز خواهد شد. به فرض محال نیز حتی اگر لحن زمامداران به طور کامل تغییر یابد و زبانی نرم و آرام جایگزین آن شود، آن زمان جوهر وجودی و حقیقی جمهوری اسلامی بیشتر نمایان خواهد شد که سرشار از دروغ، ریا، جنایت، کشتار، دشمنی با انسانیت و گسترش بیعدالتی و تبعیض است.

بدیهی است اگر کشتار و حذف فیزیکی مخالفین و منتقدین حاکمیت، در این سالی و اندی زمامداری جمهوری اسلامی قادر بود روحیه‌ی والا و مبارز ملیت‌های ایران را در هم بشکند و مبارزین کرد، بلوچ، عرب و دیگر ملیت‌های ایران را به زانو درآورد، یقیناً اکنون آثاری از قدرت و روحیه‌ی مبارزاتی این ملیت‌ها باقی نمانده بود. اما همین کشتارهای اخیر نشان داد که رژیم بسیار بیشتر از گذشته از لهیب آتش مبارزه در کردستان و دیگر اقلیم‌های دور از دایره‌ی قدرت در هراس است.

موج اعدام زندانیان سیاسی، کردستان و بلوچستان را فرا گرفت. روز دوشنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۹۲ با اعدام شیرکو معارفی، زندانی سیاسی کرد در زندان مرکزی سقز شمار اعدام‌ها طی ۶ روز به ۳۷ تن رسید که ۱۱ تن از آنان کرد هستند.

پیش از این نیز در روز جمعه چهارم آبان‌ماه نیز حکم اعدام ۱۶ زندانی سیاسی بلوچ و دو زندانی سیاسی کرد به نام‌های "حبیب‌الله گلپری‌پور" و "رضا اسماعیلی" در زندان‌های ارومیه و سلماس به اجرا درآمده بود.

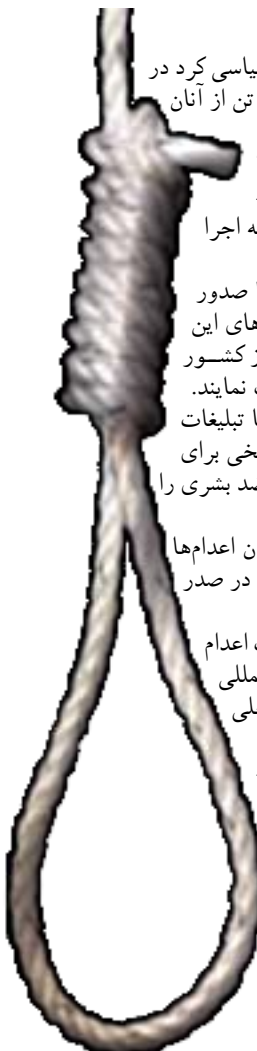
در همین رابطه، دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم نمودن اعدام‌ها و ابراز همدردی با خانواده‌های این زندانیان، از جامعه‌ی جهانی و محافل بشردوست در داخل و خارج از کشور خواست تا با اعمال فشار بر جمهوری اسلامی روند اعدام‌ها را متوقف نمایند. در بخشی از این بیانیه آمده است که: "به راستی کسانی که با تبلیغات فریبکارانه، وعده‌ی انجام تغییرات توسط روحانی را می‌دادند، چه پاسخی برای خانواده‌های این شهیدان و افکار عمومی خواهند داشت و این اقدام ضد بشری را چگونه توجیه خواهند نمود؟"

همچنین ائتلاف جهانی علیه مجازات مرگ، ضمن محکوم کردن اعدام‌ها در ایران، از جامعه‌ی جهانی درخواست کرده است تا این مسأله را در صدر مذاکرات خود با ایران قرار دهد.

در همین رابطه، "فلورانس بلیفیر" رئیس ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام عنوان کرده است: "مجازات مرگ در ایران غالباً ناقض قوانین بین‌المللی است و در اعدام‌های اخیر نه تنها قوانین بین‌المللی بلکه مقررات داخلی ایران نیز محترم شمرده نشده است."

جمعیت حقوق بشر کردستان (KMMK-G) نیز طی نامه‌ای به احمد شهید، گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر در ایران نوشته است: "برخلاف وعده‌ها و سخنان دولت جدید روحانی به منظور فریب افکار بین‌المللی در رابطه با پرونده‌ی هسته‌ای، موج اعدام‌ها ادامه دارد و بیشتر قربانیان اعدام از ملیت‌های غیرفارس ایران هستند."

در حال حاضر، شش زندانی کرد دیگر به ویژه "زانیار و لقمان مرادی" نیز با خطر اعدام مواجه هستند.



ایران و سوریه، محور گفتگوهای جان کری و ملک عبدالله

دوستانه میان آمریکا و عربستان سعودی، گفت: "چندین پرونده‌ی با اهمیت همچون بحران در سوریه و برنامه‌ی هسته‌ای ایران در محور اصلی مذاکرات با رهبران عربستان سعودی قرار دارد."

در ماه‌های اخیر، تنش‌هایی در روابط میان ریاض و واشنگتن، بر سر پرونده‌ی بحران سوریه و مذاکرات میان آمریکا و جمهوری اسلامی پس از روی کار آمدن حسن روحانی ایجاد شده است.

پرونده‌ی هسته‌ای ایران و تماس‌های اخیر میان رهبران جمهوری اسلامی و آمریکا و عدم واکنش صریح آمریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای ایران نیز از جمله دیگر موارد ناخشنودی عربستان سعودی از سیاست‌های آمریکا عنوان شده است.

وزیر امور خارجه‌ی آمریکا بر تلاش‌های کشورش در جهت کاستن از اختلافات با عربستان بر سر پرونده‌ی هسته‌ای ایران و بحران در سوریه تأکید کرد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، جان کری در نشست خبری پس از دیدار روز دوشنبه، چهارم نوامبر با پادشاه عربستان گفت: "هیچ اختلاف نظری میان دو کشور بر سر موضوعات اساسی منطقه، به ویژه سوریه وجود ندارد."

وزیر خارجه آمریکا در خصوص بحران سوریه گفت که به پادشاه عربستان سعودی اطمینان داده است که کشورش ادامه حملات نظامی بشار اسد در سوریه را بدون پاسخ نخواهد گذارد. جان کری همچنین ضمن تأکید بر لزوم حفظ روابط

یک فرمانده دیگر سپاه پاسداران در سوریه کشته شد

ملی و سیاست خارجی مجلس رژیم شامگاه یکشنبه گفته بود: "صدها گردان از ایران در سوریه وجود دارد، هر چند خبر پیروزی‌های ارتش سوریه را از زبان یک فرماندهی سوری می‌شنوید، اما پشت پرده‌ی آن نیروهای ایرانی قرار دارند."

چندی پیش، فیلم‌هایی ویدیویی منتشر شده بود که حضور، عملیات و فرماندهی نیروهای ایرانی را در سوریه نشان می‌داد. مخالفان رژیم بشار اسد در سوریه از مدت‌ها قبل اعلام کرده بودند که نیروهای ایرانی در کنار ارتش سوریه با مخالفان بشار اسد می‌جنگند. این مخالفان به همین دلیل خواستار کمک‌های نظامی بیشتر از سوی جامعه بین‌المللی شده‌اند. ایران این گفته‌ی مخالفان بشار اسد را بارها تکذیب کرده است.

با وجود تکذیب حضور نیروهای خود در کنار نیروهای اسد توسط مقامات رژیم ایران، محمد جمالی پافله‌ه از فرماندهان سپاه ثارالله کرمان در جنگ با مخالفان حکومت بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه کشته شد.

به گزارش العربیه، در حالی که سپاه پاسداران، نیروهایش را که در سوریه کشته می‌شوند، با عنوان "مدافعان حرم زینبیه" به خاک می‌سپارد، پیشتر نیز اسماعیل حیدری، یکی دیگر از فرماندهان سپاه که در شهر حلب، کیلومترها دورتر از زینبیه دمسق کشته شده بود، با همین عنوان، به خاک سپرده شده بود. برخلاف تأکیدهای همیشگی مقام‌های رژیم ایران مبنی بر حضور نداشتن نیروهای ایرانی در سوریه، جواد کریمی قدوسی عضو کمیسیون امنیت

بیانیه‌ی دفتر سیاسی حزب دمکرات

در رابطه با افزایش شمار اعدام زندانیان سیاسی



ملیت‌های آزادیخواه ایران!
توده‌های حق‌طلب کردستان!
محافل و مجامع بشردوست مدافع حقوق بشر!

بر اساس اخبار و اطلاعات منتشر شده از سوی دستگاه‌های سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران، در دو روز گذشته شماری از زندانیان سیاسی و فرزندان ملیت‌های ایران توسط رژیم ایران اعدام شده‌اند، "رضا اسماعیلی" و "حبیب‌الله گلپری‌پور" زندانیان سیاسی کرد در شهرهای سلماس و ارومیه و ۱۶ فعال سیاسی و فرهنگی بلوچ نیز در شهر زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان در زمره‌ی اعدام‌شدگان اخیر می‌باشند.

اعدام این زندانیان سیاسی در حالی صورت گرفته است که در روندی عادلانه و در فرایند قضایی واقعی و در چهارچوب قوانین حقوق بشری مورد بازجویی قرار نگرفته‌اند. روند اعدام در جمهوری اسلامی ایران در شرایطی رو به افزایش نهاده است که با روی کار آمدن حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور، برخی افراد، گروه‌ها و جریان‌ها با استناد به وعده‌های تبلیغاتی نامبرده، رؤیای اجتناب رژیم از نقض حقوق بشر، توجه به حقوق ملیت‌های تحت ستم ایرانی و بهبود وضعیت معیشت و زندگی مردم را در سر می‌پروراندند و برای فریب افکار عمومی و روی کار آمدن روحانی تبلیغ می‌نمودند.

هر چند موج اعدام و روند فزاینده‌ی آن، به نوبه‌ی خود ناروا و محکوم می‌باشد، با این حال بسیار قابل توجه است که دستگاه قضایی کشور که می‌بایستی مجری

است. بر اساس آمار موجود، در مدت یک سال گذشته ۵۳۷ نفر در ایران اعدام شده‌اند که در مقایسه با سال گذشته به شیوه‌ای چشمگیر افزایش یافته است. سیاست و عملکرد ضدبشری جمهوری اسلامی تنها به اعدام زندانیان سیاسی در کردستان محدود نمی‌شود و به طرق دیگر نیز فرزندان ملت کرد را قربانی می‌کند، همان گونه که چند روز پیش نیز تعدادی از نوجوانان کرد در میوان قربانی مین‌های کاشته شده‌ی رژیم شدند و رژیم به خنثی‌نمودن و برداشتن آنها که روزانه فرزندان ملت کرد را قربانی می‌کند، هیچ‌گونه اهمیتی نمی‌دهد.

حزب دمکرات کردستان ایران ضمن محکوم‌نمودن اعدام زندانیان سیاسی، از روند رو به گسترش آن ابراز نگرانی نموده و مراتب همدردی خود را با خانواده‌های آنان اعلام می‌دارد، همچنین از افکار عمومی و جامعه‌ی جهانی و محافل و مجامع بشردوست می‌خواهد که با اعلام و ابراز نارضایتی از این همه اعدام و به منظور تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی برای متوقف ساختن روند اعدام‌ها، تلاش‌های لازم را به عمل آورده و در راستای صیانت از حقوق بشر و علیه جنایت و کشتار گام بردارند، علی‌الخصوص که هم اکنون خطر مرگ، جان گروهی از زندانیان سیاسی و فرزندان ملیت‌های ایران، به‌ویژه حق‌طلبان کرد را تهدید می‌کند.

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی
۵ آبان‌ماه ۱۳۹۲ خورشیدی
۲۷ اکتبر ۲۰۱۳ میلادی

دیدار هیأت "جنبش تغییر" کردستان عراق از دفتر سیاسی حدکا



سخنانی را ایراد نمود و این انتخابات را نشانی از پیشرفت و ترقی و همچنین ضامن موفقیت اقلیم کردستان وصف نمود. د. محمد حاجی نیز از استقبال گرم هیأت حزب دمکرات ابراز خرسندی نمود و سخنانی در مورد نگرش و موضع "جنبش

در دیدار دو هیأت حزب دمکرات کردستان ایران و "جنبش تغییر"، مسائل مربوط به انتخابات اقلیم کردستان و دیگر مسائل سیاسی، مورد بحث و گفتگو قرار گرفتند.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، روز سه‌شنبه هفتم آبان‌ماه سال ۱۳۹۲، هیأتی از "جنبش تغییر" به سرپرستی "د. محمد حاجی" از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرده و از سوی هیأتی از حزب دمکرات به سرپرستی "مصطفی هجری"، دبیر کل حزب دمکرات مورد استقبال قرار گرفتند.

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، ضمن ابراز خرسندی از دیدار هیأت "جنبش تغییر" از دفتر سیاسی حزب دمکرات، در رابطه با انتخابات پارلمان اقلیم کردستان

به درخواست نماینده‌ی حدکا

کنفرانسی ویژه در رابطه با جنایات رژیم ایران علیه بشریت برگزار می‌شود

مذهبی، حذف فیزیکی افراد از صحنه‌های سیاسی و دیگر اعمال غیر انسانی که منجر به صدمات و لطامت غیر قابل جبران و جدی بر جسم، ذهن و یا سلامتی افراد گردد، برعهده‌ی این دادگاه بین‌المللی می‌باشد.

به درخواست نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران که در این کنفرانس شرکت نموده بود، کنفرانسی ویژه در رابطه با جنایات رژیم ایران علیه بشریت برگزار می‌شود، تا از طریق سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و جریانات و احزاب سیاسی کردستان ایران به رژیم ایران در راستای عضویت در این دادگاه بین‌المللی فشار وارد شود. تاکنون ۱۱۴ کشور جهان در این دادگاه عضو شده‌اند.

سوی چندین سازمان جامعه‌ی مدنی، قضات و اساتید دانشگاه مطرح گردیده بود، فشار بر حکومت عراق برای عضویت در "دادگاه جنایی بین‌المللی" و پایبندی به قوانین این دادگاه می‌باشد.

برای حمایت از این لایحه، حکومت اقلیم کردستان نامه‌ای رسمی همراه با امضای ۸۰ عضو پارلمان را برای حکومت عراق فرستاده و به طور رسمی از این حکومت درخواست نموده‌اند که به عضویت این دادگاه بین‌المللی درآید.

بررسی جنایاتی همچون، کشتار دسته جمعی، تبعید و یا کوچاندن اجباری، شکنجه، هتک حرمت زنان، آزار و ارباب علیه هر گروه سیاسی شناخته شده، ملیتی، فرهنگی،

بنا به درخواست نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران، کنفرانسی ویژه در رابطه با جنایات رژیم ایران از سوی دادگاه جنایات بین‌المللی برگزار می‌شود.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، روز سه‌شنبه هفتم آبان‌ماه سال ۱۳۹۲، هیأت دفتر نمایندگی حزب دمکرات در اربیل به سرپرستی "محمد صالح قادری" در کنفرانس دادگاه بین‌المللی کیفری(دادگاه لاهه) شرکت نمود.

این کنفرانس با سخنرانی "آرام احمد"، وزیر امور شهدا و انفال‌شدگان و "امل نصار" نماینده‌ی دادگاه بین‌المللی کیفری(دادگاه لاهه) آغاز به کار نمود.

هدف اصلی این کنفرانس که ایده‌ی آن از

دیدار نماینده‌ی حدکا با مسئول روابط حزب چپ فرانسه



مسئول روابط خارجی حزب دمکرات کردستان ایران در فرانسه با مسئول خاور نزدیک و خاورمیانه‌ی حزب چپ فرانسه در بخش روابط بین‌الملل دیدار کرد. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، روز پنجشنبه، بیست و چهارم اکتبر ۲۰۱۳، "خسرو عبداللهی" مسئول روابط خارجی حزب دمکرات کردستان ایران در فرانسه، در دفتر حزب چپ فرانسه در پاریس حضور یافته و با مسئول خاور نزدیک و میانه‌ی این حزب در بخش روابط بین‌المللی دیدار و به بحث و تبادل‌نظر پرداختند.

در این نشست "خسرو عبداللهی" بطور اجمالی به طرح مسائل محوری از جمله؛ ایران کشور کثیرالمله، وسعت خاک و جمعیت کردستان ایران، چگونگی تشکیل حزب دمکرات کردستان بعنوان اولین حزب مدرن در تاریخ ملت کرد در کردستان ایران، مبارزات مردم کردستان ایران تحت رهبری حزب دمکرات در شرایط جنگ دوم جهانی، تأسیس جمهوری کردستان و دولت ملی آذربایجان و دستاوردهای آن‌ها برای مردم کردستان و آذربایجان، سقوط دولت ملی آذربایجان و جمهوری کردستان بدست رژیم استبدادی شاه به کمک آمریکا و انگلیس، مبارزات مردم کردستان ایران به رهبری حزب دمکرات در طول سلطنت سیاه محمدرضا شاه، قیام خلق‌های ایران علیه رژیم ستمگر و استبدادی شاه و شرکت فعالانه‌ی مردم کردستان در این قیام و ایفای نقش مؤثر به رهبری حزب دمکرات در سقوط نظام سرکوبگر سلطنتی، نظام جدید و تلاش‌های آشتی‌جویانه‌ی

شرکت هیأت حدکا در کنفرانس سازمان "اتحادپیشرو"

کشورهای دمکراتیک و توسعه یافته غرب، گفت: "به دلیل حاکمیت رژیم دیکتاتوری مذهبی، ملت کرد در کردستان ایران در واقعیتی جداگانه زندگی می‌کنند و ملت کرد در این بخش از کردستان با تبعیض، فشار و نابرابری روبرو هستند."

نماینده‌ی حزب دمکرات در ادامه از اقدام حزب سوسیالیست اتریش و مسئول گروه سوسیالیست پارلمان اروپا پس از سفر به ایران که گفته بود: "اتریش همیشه از رژیم ایران حمایت کرده است"، انتقاد کرد. در خلال این کنفرانس، هیأت حزب دمکرات با چندین شخصیت سیاسی از احزاب حاکم و اپوزیسیون اروپایی دیدار کرده و در رابطه با شرایط سیاسی کردستان ایران به گفتگو پرداختند.

شرکت هیأت حدکا در مراسم سالروز تأسیس

جمهوری ترکیه



به سرپرستی "حسن شرفی" جانشین دبیر کل حزب دمکرات کردستان، در مراسم سالروز تأسیس جمهوری ترکیه شرکت کرد. در این مراسم هیأت حزب با شماری از نمایندگان شرکت‌کننده نظیر؛ نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی و آمریکایی دیدار کرد.

به درخواست رسمی کنسولگری ترکیه در شهر اربیل، هیأت حزب دمکرات کردستان ایران در نودمین سالروز تأسیس جمهوری ترکیه شرکت کرد. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، مورخه‌ی هفتم آبان‌ماه ۱۳۹۲، هیأت حزب دمکرات کردستان ایران

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

وضعیت کولبران و شهروندان کرد در گزارش کوردستان میدیا



طی هفته گذشته، همچنین یک شهروند کرد توسط نیروهای اداری اطلاعات رژیم ایران بازداشت شده است.

روز چهارشنبه هشتم آبان‌ماه ۱۳۹۲، فعال فرهنگی کرد، اهل "بجنورد" در استان خراسان شمالی، توسط نیروهای اداری اطلاعات رژیم ایران بازداشت شد.

"مصطفی خلیل‌زاده" به اتهام "فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و داشتن صفحه‌ی کردی در شبکه اجتماعی فیسبوک" توسط نیروهای اداری اطلاعاتی رژیم ایران بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل گردید.

بر اساس آمار ثبت‌شده در وب‌سایت کوردستان میدیا، در مدت ۳۰ روز گذشته، ۱۸ شهروند و کولبر‌کرد بر اثر شلیک مستقیم نیروهای رژیم ایران کشته و زخمی شده‌اند و کولبر دیگر بر اثر انفجار مین زخمی شده است.

مردم مریوان در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی تظاهرات کردند



ویژه‌ی رژیم با افزایش شمار نیروهای خود در سطح شهر سنندج نیز فضای این شهر را به شدت امنیتی کرده‌اند.

نیروهای لباس شخصی اداره اطلاعات رژیم با حضور گسترده در خیابان‌ها، رفت و آمد شهروندان را زیر نظر گرفته‌اند تا از برگزاری هر گونه تجمع اعتراضی از سوی شهروندان جلوگیری به عمل بیاورند.

اعتصاب شماری از زندانیان سیاسی در اعتراض به موج جدید اعدام‌ها

روز چهارم آبان‌ماه ۱۳۹۲، "حبیب‌الله گلپری‌پور" زندانی سیاسی کرد در زندان مرکزی شهر ارومیه و "رضا اسماعیلی" زندانی سیاسی کرد در زندان سلماس اعدام شدند. از دیگر سو، پس از سفر امام جمعه‌ی شهر مریوان به تهران و دیدار با مسئولین دستگاه قضایی رژیم ایران، احتمال اجرای حکم اعدام دو زندانی دیگر کرد به نام های "لقمان و زانیار مرادی" وجود دارد.

انتقال مریم مقدسی به دلیل تشدید بیماری به بیمارستانی در تهران

اطلاع یافته‌اند که وی در بیمارستانی بستری است.

به گزارش همین منبع خبری، اصرار خانواده‌ی "مریم مقدسی" جهت اطلاع از محل بستری یا نگهداری وی بی‌نتیجه مانده است و تا لحظه انتشار این خبر، موفق به ملاقات و یا کسب اطمینان از وضعیت وی نگردیده‌اند. مریم مقدسی سال ۱۳۸۹ و پس از اعدام زندانی سیاسی کرد، فرزاد کمانگر و تنسی چند از فعالین سیاسی که منجر به اعتصابات گسترده در ایران و به ویژه شهرهای کردنشین شده بود، بازداشت و به "فعالیت و تبلیغ علیه نظام و همکاری با یکی از احزاب مخالف رژیم" متهم و از سوی دستگاه قضایی رژیم ایران به ۹ سال زندان محکوم شده است.

طی یک هفته‌ی گذشته، ۵ شهروند و کولبر کرد بر اثر شلیک مستقیم نیروهای رژیم ایران کشته و زخمی شده‌اند و همچنین یک کولبر کرد، بر اثر انفجار مین زخمی شده است.

روز ششم آبان‌ماه ۱۳۹۲، یک شهروند کرد اهل روستای "فرزیان" از توابع "سومای برادوست" ارومیه به نام "ساجی تمرزاده" هجده ساله و فرزند "حیدر" بر اثر شلیک مستقیم نیروهای رژیم ایران جان سپرد.

در همان روز، "بر اثر شلیک مستقیم نیروهای رژیم ایران" یک کولبر جوان ۱۵ ساله، اهل روستای "قلعه‌ره‌شه" از توابع شهرستان سردشت جان خود را از دست داد.

همچنین روز پنجم آبان‌ماه ۱۳۹۲، در کوهستان‌های قندیل کولبران کرد هدف شلیک مستقیم نیروهای رژیم ایران قرار گرفتند که در نتیجه‌ی این اقدام نیروهای رژیم، یک کولبر دیگر به نام "عمر حسینی" زخمی شد.

روز پنجم آبان‌ماه ۱۳۹۲، نیروهای رژیم ایران در دروازه ورودی شهر شیراز، خودروی سواری پراید یک شهروند کرد را هدف گلوله قرار دادند و در نهایت شهروندی به نام "نورالدین درویشی" کشته و شهروند دیگری به نام "نایب خلیفه‌زاده"

تظاهرات شهروندان مریوان در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی کرد توسط نیروهای رژیم ایران به خشونت کشیده شد و بازداشت چند تن را نیز در پی داشت.

به گزارش آژانس خبرسانی کردپا، روز سه‌شنبه چهاردهم آبان‌ماه ۱۳۹۲، شمار زیادی از شهروندان مریوان در این شهر به خیابان‌ها آمده و به منظور محکوم نمودن اجرای حکم اعدام زندانیان سیاسی کرد دست به تجمع اعتراضی زده و تظاهرات کردند. در این تظاهرات، معترضین شعارهایی نظیر "کردستان را اعدام نکنید"، "هه‌تا کوردیک بمینی کوردستانیش ده‌مینی (تا یک کرد باقی بماند، کردستان نیز باقی می‌ماند)" سر دادند. این تظاهرات که از سه راه شیرنگ آغاز و تا چهارراه اصلی شهر مریوان (مسیر خیابان دکتر قاسملو) ادامه داشت، با یورش نیروهای یگان‌ویژه‌ی رژیم به خشونت کشیده شد و چند تن از معترضین

جمعی از زندانیان سیاسی که شماری در زندان‌های ایران مانند سنندج، کرمانشان، ارومیه و طیس به سر می‌برند، دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

به گزارش آژانس خبری موکریان، روز چهارشنبه هشتم مهرماه ۱۳۹۲، جمعی از زندانیان سیاسی به نشانه‌ی اعتراض در رابطه با موج جدید اعدام‌ها، دست به اعتصاب غذا زدند.

انتقال مریم مقدسی به دلیل تشدید بیماری به بیمارستانی در تهران

"مریم مقدسی" زندانی سیاسی کرد اهل نقده و محبوس در زندان اوین، به دلیل تشدید بیماری، به بیمارستانی در تهران منتقل گردید



تهدید مرزنشینان اشنویه از سوی نیروهای رژیم

نیروهای رژیم ایران در اشنویه، نزدیک‌شدن شهروندان کرد به ۵ کیلومتری خطوط مرزی را ممنوع کرده و تهدید کرده‌اند که در صورت نزدیکی به مرزها آنان را هدف گلوله قرار می‌دهند.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، نیروهای نظامی مستقر در مرز نالوس، از توابع شهرستان اشنویه، از طریق شورای بخش نالوس به شهروندان گفته‌اند، هر شهروندی به ۵ کیلومتری مرز نزدیک شود، هدف گلوله نیروهای رژیم قرار می‌گیرد.

یکی از اهالی نالوس گفته است که نیروهای رژیم ایران کنبا این دستور را به شورای بخش نالوس ابلاغ و رئیس شورا مجبور به امضای این تصمیم شده است.

دستور هدف گلوله قراردادن شهروندان

پروژه‌ی ساخت پارک "شانو"ی مریوان در هاله‌ای از ابهام

پروژه‌ی اجرایی ساخت پارک "شانو" مریوان پس از چندین سال هیچ‌گونه پیشرفت فیزیکی نداشته است. به گزارش منابع محلی، عملیات اجرایی پروژه‌ی پارک "شانو" مریوان، علیرغم اینکه از اعتبارات لازم برخوردار می‌باشد، تاکنون آغاز نشده است. طرح این پروژه‌ی عمرانی چندین سال می‌باشد که به تصویب رسیده، اما تاکنون پیشرفت فیزیکی نداشته و تنها در قالب یک تابلو باقی مانده است. مسئولین حکومتی مربوطه اعتبارات اختصاص داده شده به این طرح را در این پروژه صرف نکرده‌اند و تاکنون نیز هیچ اثری از عزم آنان برای آغاز عملیات اجرایی دیده نمی‌شود. سالیان درازی

بازداشت یک شهروند کرد اهل مریوان

یک شهروند کرد اهل روستای "موسک" از توابع شهرستان مریوان توسط نیروهای رژیم ایران بازداشت شد.

به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، روز دوشنبه، مورخه‌ی ششم آبان‌ماه ۱۳۹۲، یک شهروند کرد اهل روستای "موسک" از توابع شهرستان مریوان، به نام "پرویز علی‌رضایی" فرزند "حسن" توسط نیروهای اداری اطلاعات رژیم ایران بازداشت گردید.

نیروهای اداری اطلاعات رژیم ایران به منزل این شهروند یورش برده و پس از بازداشت وی، نامبرده را به مکانی نامعلوم منتقل کردند.

یک زندانی سیاسی کرد دیگر

به اعدام محکوم شد

یک فعال دیگر کرد به نام "آرمان پرویزی" به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" به اعدام محکوم شد.

به گزارش کمین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، آرمان پرویزی فرزند رشید، اهل شهرستان مهاباد، اواخر سال ۱۳۹۱ همراه با چند تن دیگر بازداشت گردید و در ۱۵ تیرماه سال جاری در دادگاه انقلاب رشت، به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی و همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم ایران" به اعدام محکوم شد.

به گزارش همین منبع خبری، حکم اعدام آرمان پرویزی روز پنج‌شنبه نهم آبان‌ماه ۱۳۹۲ به نامبرده اعلام شده است. "آرمان پرویزی" دانشجوی رشته‌ی معماری دانشگاه رشت بوده است. این سومین زندانی کرد است که پس از روی کار آمدن "حسن روحانی" به اعدام محکوم شده است. مدتی پیش نیز دو زندانی کرد دیگر به نام‌های "صابر مخلد موانه" اهل ارومیه و "محمد عبداللهی" به اعدام محکوم شده بودند.

"صابر مخلد موانه" در تیرماه ۱۳۹۲

مصطفی هجری در گفتگو با والاپرس:

آماده شدن ملیت‌های ایران برای مبارزه‌ی سراسری، اولویت نخست ماست



مصطفی هجری

ایران برای آغاز و اجرای مبارزه‌ی سراسری می‌باشد، در ابتدا این موضوع اولویت اول ما می‌باشد، اما همانگونه که شما اشاره نمودید، ممکن است دخالت قدرت‌های خارجی فضای مناسب و مورد نظر ما را مهیاتر نماید و ما هم بدون شک از آن بهترین بهره را خواهیم برد.

س: اینکه قدرتی مانند آمریکا دخالت نموده و وارد جنگ با ایران شود یا جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهد، شما از کدام گزینه حمایت می‌کنید؟

هجری: ما از تضعیف جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کنیم، به باور ما هر اندازه که جمهوری اسلامی ایران ضعیف‌تر و درمانده‌تر باشد، به سود آزادیخواهان ایران و به ویژه ملت کرد است.

در این رابطه تجربه‌ای نیز وجود دارد و تا کنون حداقل برخی از کشورهایی که آمریکا در آنها دخالت نموده و حکومت آنها را ساقط نموده و سپس آن کشورها را برای مردم به جا گذاشته است، بر پایه‌ی توانایی خود توانسته‌اند اداری حکومت خود را در دست داشته باشند.

س: اگر شرایط مورد نظر و فرصت مبارزه‌ی مسلحانه برای شما محقق گردد و تغییراتی روی دهد، آیا شما حاضرید فرماندهی یکی از جنگ‌ها را برعهده بگیرید یا در شهر کویه می‌مانید و از دور نظاره‌گر خواهید بود؟

هجری: در واقع تغییر و تحولات آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما معتقدم مبارزه‌ی مسلحانه در خارج از کشور عملی نمی‌باشد، زیرا این مبارزه از راه دور امکانپذیر نیست، اما در صورت تحقق فرصت مناسب، ما مبارزه‌ی مسلحانه خواهیم داشت. ما به عنوان حزب دمکرات تجربه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه را داریم و در داخل کشور و کوهستان‌ها نیز آن را انجام داده‌ایم و جنگ پارتیزانی داشته‌ایم، حتی نبردهای منظم نیز با رژیم داشته‌ایم.

س: آیا شما آماده هستید در جنگ حاضر باشید و برگردید؟

هجری: بله، همانگونه که عرض کردم، اگر شرایط مناسب باشد، حاضر از همان روز اول برگردم.

س: از مردم کردستان ایران بسیار دور هستید، اما با وجود این دوری، برای شرکت و حضور در کنگره‌ی ملی با کمترین مشکل روبرو بودید. در مقایسه با احزاب کردستان عراق، به نظر شما دلیل یا دلایل سازگاری‌ای که بین احزاب کرد کردستان ایران وجود داشت و توانستید با کمترین مشکل به اجماع نظر برسید، چیست؟

هجری: ما به عنوان کردهای کردستان ایران همچون بخش‌های دیگر کردستان، گذشته‌ای تلخ و سرشار از مشکلات و گرفتاری را تجربه نمودایم، از مبارزه‌ی مسلحانه علیه یکدیگر گرفته تا تخریب و حذف یکدیگر، انشعابات و ضدیت با

که اشاره کردم، حکومت بشار اسد در بخش اعظم منطقه وجود ندارد. با اشاره به این مطالب در صدد بیان این نکته می‌باشم که در تمام تاریخ ملت کرد که مبارزه‌ی مسلحانه‌ی خشونت‌آمیز وجود داشته و ملت کرد فداکاری‌های بسیاری را رقم زده است، در حقیقت کسی نتوانسته است که با مبارزه‌ی مسلحانه‌ی خود حکومت را ناچار به قبول مطالبات و خواسته‌های ملت کرد نماید.

س: آیا دیگر به مبارزه‌ی مسلحانه اعتقاد ندارید؟

هجری: به مبارزه‌ی مسلحانه اعتقاد داریم، اما نه اینکه همه چیز را در مبارزه‌ی مسلحانه خلاصه نماییم و اگر مبارزه‌ی مسلحانه وجود نداشت، احساس کنیم که به پایان راه رسیده‌ایم، بلکه مبارزه‌ی مسلحانه مثل سایر شیوه‌های مبارزه باید در زمان و شرایط مناسب خود مورد استفاده قرار گیرد.

س: آیا اکنون برای شما مناسب نیست؟ هجری: نه، اکنون برای ما مناسب نیست.

س: چرا؟

هجری: زیرا اگر مبارزه‌ی مسلحانه را آغاز نماییم، نیازمند پشت جبهه‌ای مطمئن هستیم که ما از آن برخوردار نیستیم. در کشوری بزرگ و کثیرالمسله مانند ایران که ملت کرد سومین ملت است، از لحاظ اقتصادی یکی از محروم‌ترین ملیت‌های ایران می‌باشد و امکانات بسیار محدودی را برای گذران زندگی در اختیار دارد، در چنین کشور بزرگی ملت کرد به تنهایی نمی‌تواند مبارزه‌ی مسلحانه را آغاز نماید و در ایسن راه قربانی بدهد، در حالی که ملیت‌های دیگر ایرانی علیرغم داشتن نارضایتی بسیار از حکومت، تاکنون برای این منظور آمادگی خود را اعلام ننموده‌اند، ملت کرد به تنهایی نمی‌تواند وارد عرصه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه شود، بنابراین باید فرصت و شرایط مناسب آن فراهم گردد.

س: این فرصت چیست؟

هجری: بسا توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران مدتی است چه از نظر داخلی و چه از نظر بین‌المللی رو به ضعف نهاده، این فرصت زمانی خواهد بود که ضعف و درماندگی جمهوری اسلامی به نقطه‌ای برسد که نه‌تنها ملت کرد، بلکه ملیت‌های دیگر نیز در صورت عدم به نتیجه رسیدن مبارزه‌ی مدنی، جرات روی آوردن به مبارزه‌ی مسلحانه را داشته باشند و حزب دمکرات تنها حزب مبارز در این کشور نباشد، به نظر من، فرصت مورد نظر با توجه به تحقق این شرایط فراهم خواهد شد. البته حزب دمکرات برای آن زمان باید برای همیشه آمادگی لازم را داشته باشد و ما آن آمادگی را داریم و اکنون نیز پیشمرگ می‌پذیریم و آموزشگاه نظامی نیز داریم و پیشمرگ آموزش داده و پرورش می‌دهیم، بخش اعظم این پیشمرگ‌ها در اردوگاه‌های حزب و وظیفه‌ی حفاظت از حزب را به عهده دارند. ما همواره آماده هستیم تا در فرصت مناسب، بیشترین بهره را ببریم، چه به عنوان ملت کرد و چه برای وارد عرصه نمودن ملیت‌های دیگر تا مبارزه‌ای مشترک را علیه رژیم آغاز نماییم.

س: فرصتی که در مورد آن سخن گفتید، همانگونه که در عراق و سوریه و به طور کلی در منطقه، آمریکا دخالت نموده، آیا شما نیز انتظار دارید به همان شیوه، آمریکا در ایران نیز دخالت نموده و آنگاه شما مبارزه‌ی مسلحانه را آغاز نمایید؟

هجری: نه، مسأله تنها این نیست که منتظر دخالت آمریکا یا قدرت خارجی دیگری باشیم، بلکه قبل از هر چیز در ابتدا آماده شدن ملیت‌های ایران و آزادیخواهان

مسلحانه‌ی نیروهای کرد بوده باشد! با نهایت احترامی که برای تمام مبارزاتی که ملت کرد در تاریخ انجام داده است، قائل هستم به ویژه در کردستان عراق که مبارزه‌ای دراز مدت و توأم با قربانیان فراوان داشته است، باید بگویم آنچه در کردستان عراق پیش آمد، بخش اعظم آن ناشی از تغییرات انجام گرفته در منطقه بود. حمله‌ی نظامی به عراق، حکومت صدام حسین را فروپاشید، می‌دانیم که نیروهای کرد عراق علیرغم تمام فداکاری‌هایی که انجام دادند، در دوران صدام حسین نتوانستند مطالبات و خواسته‌های ملت کرد را در این بخش از کردستان محقق سازند، تغییراتی هم که اکنون در کردستان سوریه روی داده و مشاهده می‌کنیم که بخش‌هایی از آن آزاد شده و نیروهای دولتی سوریه در آنجا حضور ندارند، به دلیل فعالیت و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی قوای کرد نبوده است، بلکه اوضاع منطقه باعث ایجاد این تغییر و تحولات شده و بشار اسد درگیر یک جنگ خونین شده و رژیم وی تضعیف شده است، به همین دلیل، این وضعیت در کردستان سوریه ایجاد شده است.

در ترکیه نیز ملت کرد فداکاری‌های چشمگیری داشته است، بخش عظیمی از تغییر و تحولاتی که اینک در ترکیه وجود دارند، از طریق مبارزه‌ی مدنی تحقق یافته‌اند که خواسته‌ها و مطالبات ملت کرد در آن مطرح شده است. اینک فرایندی میان حکومت ترکیه و p.kk آغاز شده است. بخش اساسی و زیربنایی آن به دیدگاه‌ها، نظرات و تفکرات حزبی که در ترکیه بر مسند قدرت قرار دارد، بر می‌گردد، زیرا پیش از روی کار آمدن این حزب در ترکیه، مبارزه‌ی ملت کرد چه به شیوه‌ی مسلحانه و چه به شیوه‌ی مدنی همواره وجود داشته است، اما همانگونه که عرض کردم، تحولات دنیا و منطقه به گونه‌ای رقم می‌خورند که این مسائل برجسته شده‌اند. اما به طور کلی

ملت کرد به تنهایی نمی‌تواند مبارزه‌ی مسلحانه را آغاز نماید و در این راه قربانی بدهد، در حالی که ملیت‌های دیگر ایرانی علیرغم داشتن نارضایتی بسیار از حکومت، تاکنون برای این منظور آمادگی خود را اعلام ننموده‌اند

در ایران حکومتی بر سر کار نیست که این مسائل را درک کند و مد نظر قرار دهد و تحت تأثیر تحولاتی که در دنیا در حال وقوع می‌باشند، قرار گیرد، به همین دلیل، این حکومت، اکنون نیز حکومتی بسته است و فرصت هیچ‌گونه حرکت مدنی را نه تنها به ملت کرد، بلکه به هیچ کس نمی‌دهد. در کردستان ترکیه، امکان مبارزه‌ی مدنی و فضای باز مورد نیاز برای مبارزه‌ی مدنی وجود دارد که باید از آن بهترین بهره را برد. اوضاع کردستان عراق کاملاً دگرگون شده و حکومت بومی و محلی بر سرکار است. در سوریه نیز وضعیت به گونه‌ای است که همه‌ی ما از آن آگاهییم. همانگونه

تمام شیوه‌های مبارزه از جمله مبارزه‌ی مسلحانه، مبارزه‌ی مدنی، مبارزه‌ی سیاسی، رسانه‌ای و ارتباط جمعی و تشکیلاتی و ... را آزمایش نموده‌ایم، اما به دلیل عدم توازن قوا، به تدریج عقب نشینی نموده و در مرزها مستقر شدیم و همانگونه که گفته شد، اکنون بخش تشکیلات آشکار حزبمان در اردوگاه‌های حزب در کردستان عراق مستقر می‌باشد و بر خلاف آنچه که گفته می‌شود، این اردوگاه‌نشینی ناشی از فقدان توانایی و قدرت سیاسی نیست، ما در این اردوگاه‌ها کار حزبی انجام می‌دهیم، ما در ایسن مدت کارهای بسیار مفید و مؤثری در ارتباط با مسأله‌ی رسانه‌های ارتباط جمعی و افکار عمومی، ارتباط با نیروها و سازمان‌های سیاسی کرد در بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان و در خارج از کشور انجام داده‌ایم. همچنین به شیوه‌ی پنهانی کار و فعالیت تشکیلاتی چشمگیری در داخل کشور داشته و داریم. آنچه که اکنون بخش عظیمی از مردم مشاهده می‌نمایند، متوقف شدن مبارزه‌ی مسلحانه از سوی حزب ماست، به غیر از این موضوع و این قسمت از مبارزه، تمام بخش‌های دیگر کار و فعالیت حزب دمکرات پویا و فعال می‌باشد، ما بر اساس تحقیق و بررسی‌هایی که حزبمان انجام داده است، در این برهه از زمان آغاز مجدد مبارزه‌ی مسلحانه در کردستان ایران را سودمند نمی‌دانیم، بر این باوریم که در ایسن مقطع زمانی باید از شیوه‌های دیگر مبارزه استفاده کنیم همانگونه که تاکنون استفاده نموده و فعالیت داشته‌ایم و در زمان مناسب نیز مبارزه‌ی مسلحانه را مجدداً آغاز می‌نماییم. از نظر ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران، مبارزه‌ی مسلحانه مبارزه‌ای نیست که به عنوان تنها شیوه‌ی مبارزه به ما تحمیل شود و اینگونه نیست که الزاما اگر مبارزه‌ی مسلحانه نباشد، مبارزه را متوقف نمائیم و هیچگونه فعالیت دیگری نداشته باشیم، بلکه معتقدیم که در کشور در هر برهه‌ای از زمان شیوه‌ای از مبارزه و فعالیت مناسب می‌باشد. بر اساس بررسی‌های سیاسی که داریم، در ارتباط با این مسأله در جهان، منطقه و ایران واقعیت این است که مبارزه‌ی مسلحانه مانند گذشته مبارزه‌ای نیست که از سوی مردم و جریان‌های گوناگون مورد استقبال قرار گیرد، به همین دلیل، ما فعلاً این شیوه‌ی مبارزه را متوقف ساخته‌ایم، اما بخش‌های دیگرمان بسیار فعال می‌باشند.

س: مبارزه‌ی مسلحانه را متوقف نموده‌اید، آیا به ناچار آن را متوقف نموده‌اید، یعنی به عنوان مثال، وضعیت کنونی اقلیم کردستان، نتیجه‌ی مبارزه و جنگ مسلحانه بوده است، در کردستان ترکیه که فرایند صلح در جریان است، در نتیجه‌ی توازن قوا و مبارزه‌ی مسلحانه بوده است، در کردستان سوریه وضعیت پیش آمده در نتیجه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه است، اینکه در منطقه‌ی خاورمیانه تغییر و تحولاتی روی داده، صحیح است. آیا مبارزه‌ی مسلحانه دیگر یکی از اولویت‌های کاری شما نیست؟ همانگونه که گفتید، شما در داخل ایران نمی‌توانید آزادانه فعالیت سازمانی و تشکیلاتی خود را انجام دهید، در زمینه‌ی تشکیلاتی و پنهانی نیز در مدت ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته نتوانسته‌اید به شیوه‌ای چشمگیر مؤثر باشید، آیا بر این باور نیستید که مبارزه‌ی مسلحانه برای شما مهم و ضروری است و می‌تواند نقش و اثرگذاری خود را داشته باشد؟

هجری: مبارزه‌ی مسلحانه تأثیرات خاص خود را دارد، اما کافی نیست، من معتقد نیستم تغییر و تحولاتی که در منطقه، چه در کردستان عراق و چه در ترکیه و سوریه روی داده‌اند، در نتیجه‌ی مبارزه‌ی

آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران اخیراً طی گفتگویی با مجله‌ی "والاپرس" اهداف، سیاست‌ها و مواضع حزب دمکرات را در رابطه با مسائل مهم سیاسی روز در جهان، منطقه و کردستان تشریح نموده است. توجه خوانندگان گرامی روزنامه‌ی کوردستان را به متن کامل برگردان فارسی این گفتگو جلب می‌نماییم:

س: اجازه بفرمائید که گفتگویمان را این‌گونه آغاز کنیم، حزبی که جمهوری کردستان را بنیاد نهاد، حزبی که بزرگمردانی چون قاضی، قاسملو و شرفکندی را داشته و هزاران پیشمرگ را در مکتبش پرورش داده و صاحب هزاران شهید می‌باشد، حزبی که در گذشته در کردستان ایران قدرت سیاسی را در اختیار داشته است، اکنون در اردوگاهی محدود شده است، این حزب به اردوگاه‌نشین معروف گشته و مورد انتقاد قرار می‌گیرد که توانایی آغاز مجدد مبارزه‌ی مسلحانه را ندارد و مبارزه‌ی مدنی را نیز نمی‌تواند به پیش ببرد، شما چگونه به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهید؟

هجری: واقعیت این است که با توجه به تغییراتی که در دنیا و منطقه و ایران روی می‌دهند، این تغییرات بر روی تمام حکومت‌ها، احزاب، مجامع و محافل و شخصیت‌ها تأثیرگذار خواهند بود، به همین دلیل، گذشته‌ای که شما درباره‌ی حزب دمکرات بیان کردید، کاملاً صحیح است، گذشته‌ای سرشار از مبارزه، تلاش، فداکاری و افتخار دارد، اما اکنون اوضاع دنیا و منطقه تغییر نموده است، نه تنها برای ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران که یکی از احزاب اپوزیسیون ایران هستیم، بلکه در دنیا و منطقه‌ی خاورمیانه نیز فعالیت و شیوه‌ی کار و مبارزه‌ی احزاب تغییر یافته است. امروزه فعالیت احزاب مانند ۳۰ تا ۴۰ سال قبل نمی‌باشد. جامعه، نظرات و دیدگاه‌ها تغییر یافته‌اند و به تبع آن، نیازهای جدیدی ایجاد می‌شوند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا آن‌گونه که در گذشته، نیروها و جریان‌های سیاسی به ویژه نیروها و جریان‌های سیاسی کرد به شیوه‌ای فعالانه مبارزه‌ی مسلحانه را در دستور کار داشتند، اکنون نیز مردم در جامعه مطالبات و خواست‌های خود را به همان گونه پیگیری می‌کنند؟ آیا آن روش می‌تواند آنقدر مؤثر باشد که حکومت را بر سر میز مذاکره و گفتگو بکشاند و مطالبات ملت را محقق سازد؟

ما در گذشته، به ویژه پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران که اکنون چند سالی از آن گذشته است،

به مبارزه‌ی مسلحانه اعتقاد داریم، اما نه اینکه همه چیز را در مبارزه‌ی مسلحانه خلاصه نماییم و اگر مبارزه‌ی مسلحانه وجود نداشت، احساس کنیم که به پایان راه رسیده‌ایم

روزنامه

جنگ بی پایان، درد بی پایان

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

روزنامه "نیویورک تایمز" مقاله ای درباره مسأله‌ی سوریه و احتمال شیوع فاجعه‌بار بیماری فلج اطفال در این شرایط جنگی منتشر نموده که توسط هیئت تحریریه نگاشته شده است. در پاراگراف‌های آغازین آمده است: "اپیدمی فلج اطفال را به تهدیداتی بیفزایید که مردم عادی و بی‌گناه سوریه در حال حاضر به سبب جنگ داخلی با آن مواجه هستند. این بخشی از آن چیزی است که مسئولان آمریکایی می‌گویند احتمالا به بدترین فاجعه‌ی انسانی پس از ژئوساید رواندا در ۱۹۹۴ بدین سو که حدود ۸۰۰ هزار نفر طی آن کشته شدند، تبدیل شود. اما در حالی که تراژدی در مقابل دیدگان همگان است، بسیاری از کشورها، از جمله روسیه و چین کمک‌های ناچیزی جهت تأمین نیازهای اولیه‌ی سوری‌ها به کارزار سازمان ملل متحد ارائه کرده‌اند. مردم عادی از زمانی که رئیس‌جمهور سوریه، بشار اسد از نیروی نظامی برای مقابله با اعتراضات صلحجویانه که در ۲۰۱۱ آغاز شد، استفاده کرد و یک جنگ تمام عیار داخلی را به راه انداخت، هزینه‌ی سنگینی پرداخت کرده‌اند. مسئولان هم‌اکنون شمار کشته‌ها را که جنگجویان طرفین را هم دربر می‌گیرد، ۱۱۵ هزار نفر اعلام کرده‌اند.

حدود پنج میلیون نفر از سوری‌هایی که تاکنون از جنگ جان سالم بدر برده‌اند، در داخل خود کشور آواره شده‌اند ــ در محله‌هایی که توسط نظامیان محاصره شده‌اند، گیر کرده یا از خانه‌هایشان کنده شده‌اند و در خانه‌ها، مدارس، مساجد و پارک‌های بدون امکانات و در خانه‌های پرجمعیت اقوامشان زندگی می‌کنند. اغلب آنها به طور نومیده‌ای به خوراک و امکانات درمانی دسترسی ندارند و به نظر می‌رسد با فرارسیدن زمستان وضعیت وخیمتر شود.

در عین حال، دو میلیون نفر دیگر از سوری‌ها به ترکیه، اردن، لبنان، عراق و مصر فرار کرده‌اند و با این اوصاف، زندگی هفت میلیون نفر یا حدود یک سوم جمعیت سوریه بر اثر این جنگ زیرورو شده است."

در بخش دیگری از مقاله، ضمن اشاره به آمارهای ارائه شده توسط سازمان ملل متحد در زمینه‌ی مبارزه با بیماری فلج اطفال در منطقه، آمده است: "طبق گمانه‌زنی‌های کارشناسان امور بهداشت عمومی، جهادگراهایی که به منظور پیوستن به مبارزه علیه بشار اسد به سوریه آمده‌اند، حامل ویروس این بیماری بوده‌اند."

در پایان نیز آمده است: "بهترین راه کمک کردن به سوری‌ها، پایان دادن به جنگ موجود است. بهترین راه بعدی، کاهش دردهای مذکور از طریق تأمین احتیاجات و نیز فشارآوردن به طرفین درگیر است تا به کارمندان یاری‌رسان اجازه انتقال احتیاجات ضروری را بدهند."

منبع:

Newyorktimes.com

عنوان رهبر یکی از احزاب کردستان ایران، در پی این نیستید که باز هم به جنگ برادرکشی که پیشتر سابقه‌ای تلخ و ناگوار از آن داشتید، روی بیاورید؟

به عنوان دبیرکل حزب دمکرات جای پای حزبم را در میان مردمان محکم می‌بینم، اگرچه مردم ما فرصتی برای ابراز وجود نمی‌یابند، با این حال تردید ندارم که جای پای حزب دمکرات در میان مردمش محکم است

هجری: من بر این باورم که ملت کرد هرگاه برای حل مشکلات خود دست به اسلحه برده، اشتباه کرده و دشمن از این فرصت استفاده کرده است. به همین دلیل، معتمد که این امر نباید تکرار شود، به باور من کنگره‌ی ملی که امیدوارم همانگونه باشد که من انتظار دارم، نه به شکلی فرمالیتیه، یکی از کارهایش این باشد که بر رفتار احزاب سیاسی کرد نظارت کند و اگر یک روز حزب یا گروهی بخواهد از طریق توسل به نیروی نظامی حرف خود را تحمیل کند، مانع آن شود، حزب من نیز بایستی یکی از پشتیبانان این سیاست باشد.
س: گفتید "کنگره آنگونه که من می‌خواهم". شما می‌خواهید کنگره چگونه باشد و چکار کند؟

هجری: من می‌خواهم کنگره‌ی ملی فقط در حد شعار نباشد. ما به عنوان حزب دمکرات می‌کوشیم که این کنگره تبدیل به مرکزی نیرومند برای گفتگو و ارائه‌ی نقشه‌ی راه برای تمامی مشکلات و معضلات ملت کرد شود، به ویژه در بخش‌هایی از کردستان که فاقد حکومت، مرجع و دادگاهی برای ارجاع مشکلات خود به آنجا هستند، کنگره‌ی ملی باید همان مرجع باشد، اگر در آینده گروهی بخواهد با توسل به اسلحه خود را بر مردم یا بر جریانات دیگر تحمیل کند، اگر حزبی بخواهد از راه و آرمان‌های ملی منحرف شود، کنگره‌ی ملی بتواند دربار‌ه‌ی این مسأله صحبت کند و تصمیم بگیرد و این مسائل را حل و فصل کند، به همین دلیل، من آرزوهای بزرگی برای کنگره‌ی ملی در سر دارم و امیدوارم این کنگره‌ی ملی در همین چهارچوب باشد.

س: بدون شک، صلح و آشتی محور اصلی کنگره‌ی ملی است. آیا مذاکره و گفتگو با جمهوری اسلامی ایران و دست کشیدن از مبارزه‌ی مسلحانه، سودی خواهد داشت؟

هجری: ما بر این باوریم که هرگاه جمهوری اسلامی ایران یا هر حکومت دیگری به طور جدی مایل به گفتگو درباره‌ی آزادی، دمکراسی و حقوق ملت کرد باشد، ما بایستی گفتگو کنیم و صلح کنیم، در گذشته نیز این چنین کرده‌ایم. بر سر همین مسأله‌ی صلح و مذاکره دو دبیرکل خود را از دست داده‌ایم. از بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی نیز همراه با سایر نیروهای مبارز در کردستان، هیأت نمایندگی خلق کرد را تشکیل دادیم، با جمهوری اسلامی مذاکره نمودیم، تمامی این راه‌ها را در مقابل جمهوری اسلامی آزموده‌ایم، اما متأسفانه به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم، لیکن اگر در آینده جمهوری اسلامی دستخوش چنان تغییراتی گردد که بخواهد با ملت کرد برای حل مسائل آن گفتگو کند، ما حاضر خواهیم بود.

ضعفی در حزب شما وجود دارد و آن این است که در چنین جلسات و کنگره‌هایی این گونه از شما یاد می‌کنند: مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و خالد عزیزی، دبیرکل حزب دمکرات، آیا این برای شما یک نقطه ضعف نیست؟
هجری: من نیز این را یک نقطه ضعف می‌دانم، نه تنها برای ما به عنوان حزب دمکرات، بلکه برای تمامی نیروهای سیاسی کردستان ایران، مثلا برای احزاب کومله که آنها نیز زمانی نیروی چشمگیری در کردستان ایران بودند. برای همگی ما این یک نقطه ضعف است، لیکن همانگونه که عرض کردم، این دوران دیگر تمام شده و امیدوارم که دیگر هرگز تکرار نشود. برای رفع همین نقاط ضعف است که ما مذاکره با آقای خالد عزیزی و ایجاد فضایی جدید را در دستورکار قرار داده‌ایم. اکنون مرتبا با یکدیگر دیدار می‌کنیم و به سویی می‌رویم که شاید در آینده با یکدیگر متحد شویم.
س: شما با اطمینان می‌گویید که یک نیروی پر طرفدار هستید، این جمله را از بسیاری از نیروهای سیاسی کردستان ایران از قبیل بخش دیگر حزب دمکرات و بخش‌های مختلف کومله شنیده‌ام. فکر می‌کنید اگر فرصتی فراهم شود، آیا حزب دمکرات خواهد توانست از طریق صندوق‌های رأی پیشاپیش همگان قرار گیرد؟

هجری: بله. من این گونه فکر می‌کنم و تردیدی در این ندارم. این تنها حدس و گمان نیست، بلکه با توجه به فعالیت‌هایمان در داخل کشور، شمار اعضایمان و روابطی که با شخصیت‌ها و مردم در داخل کردستان داریم به این نتیجه رسیده‌ایم، یعنی این صرفا یک شعار نیست، من باز هم تکرار می‌کنم، هر چند که ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه‌ی مسلحانه را ادامه نداده‌ایم، اما این مسأله از محبوبیت حزب دمکرات نکاسته است. علاوه بر این، درست نیست که همانند اوایل دوران روی کار آمدن جمهوری اسلامی بیاندیشیم، زیرا تغییراتی در داخل کشور، در میان مردم و افکار و دیدگاه‌های آنان حادث شده است، اما محبوبیت حزب دمکرات و گسترش حزب در میان مردم در مقایسه با آن زمان بیشتر شده است.

س: گفتید که "من اگر می‌گویم ما بزرگترین حزب هستیم، این شعار نیست"، اما دلیل و مدرکی نیز در این زمینه وجود ندارد؟

هجری: درست است. در آن زمان نیز بایستی باز هم صندوق رأی سخن بگوید.
س: اگر نظرات شما درست از آب در نیامد، حاضر به پذیرفتن پیروزی سایر جریانات هستید، منظور من بیشتر نتایج انتخابات به عنوان یک روند دمکراتیک است؟

هجری: به نوبه‌ی خود معتمد، مسبب آنچه که تاکنون بر سر ملت کرد آمده و فلاکت و عقب‌افتادگی فعلی ما، خودمان بوده‌ایم که نتوانسته‌ام با یکدیگر مدارا کنیم و دمکرات نبوده‌ایم، فقط در حرف دمکرات بوده‌ایم، به همین دلیل، تصور می‌کنم چه به عنوان ملت کرد به طور کلی و چه به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران، اگر بخواهیم که ملتمان پیشرفت کند و حزب واقعا به عنوان وسیله‌ای در خدمت مردم باشد، بایستی تمامی قواعد دمکراتیک را بپذیرد، یکی از قواعد دمکراسی این است که اگر در انتخابات شکست خوردید، باید شکست را بپذیرید، من نه تنها در جامعه‌ی آینده، بلکه در حزب خودمان نیز اگر در یک انتخابات دمکراتیک شکست بخورم، با احترام کامل جایگاه خود را به فرد دیگری واگذار خواهم کرد، همانگونه که در گذشته این کار را کرده‌ام. من زمانی دبیرکل حزب دمکرات بودم. در یک کنگره‌ی دمکراتیک که به آن اعتماد داشتیم، شکست خوردم و ماموستا عبدالله حسن‌زاده برنده شد. من با احترام کامل، منصب و جایگاه خود را واگذار کردم و در این مدت تمام تلاش خود را به کار بردم تا در خدمت حزبم باشم، این باور من است.

س: آیا این بدان معناست که شما به

توانایی‌ها و پتانسیل آنان را بیشتر جلوه گر می‌سازد. برای ما نیز به عنوان نیروهای اپوزیسیون کردی ایران این فرصت فراهم آمد که خواست‌ها، نظرات و دیدگاه‌هایمان را چه در رسانه‌ها و چه در نشست‌ها و گردهمایی‌های کنگره مطرح نماییم.
س: گفته می‌شود که در نخستین نشست کنگره‌ی ملی به بارزانی گفته‌اید که از کدام صلح و آشتی حرف می‌زنید؟ چه کسی صلح را از ما می‌پذیرد؟ ما حامل پیامی هستیم، چه کسی این پیام را خواهد شنید؟ این را نیز گفته‌اید که دو دبیرکل حزب شما یکی پس از دیگری در راه صلح و آشتی ترور شده‌اند، این پیام و این طرز بیان ناشی از چیست؟

هجری: با توجه به اقتضارات و پیشینه‌ای که حزب دمکرات دارد، من به عنوان دبیرکل حزب دمکرات جای پای حزبم را در میان مردمان محکم می‌بینم، اگرچه مردم ما فرصتی برای ابراز وجود نمی‌یابند، با این حال تردید ندارم که جای پای حزب دمکرات در میان مردمش محکم

من می‌خواهم کنگره‌ی ملی فقط در حد شعار نباشد. ما به عنوان حزب دمکرات می‌کوشیم که این کنگره تبدیل به مرکزی نیرومند برای گفتگو و ارائه‌ی نقشه‌ی راه برای تمامی مشکلات و معضلات ملت کرد شود

است، مطالبات و خواست‌های ما امروزی و مدرن است، ما در سیاست‌هایمان از گذشته تا به حال آموخته‌ایم که واقعیت‌ها را در نظر بگیریم، به همین دلیل، نه فقط در چنین کنگره‌ای، بلکه در بسیاری از نشست‌ها و محافل در آمریکا و اروپا و در دیدار با شخصیت‌های بزرگی از قبیل قدرت اعضای پارلمان انگلستان، با همین قدرت و اعتماد به حزب و اتکای به نفس صحبت کرده‌ام، زیرا همانگونه که عرض کردم، دیدگاه‌هایمان امروزی است، گذشته‌ی پر افتخاری داریم، نقطه ضعفی نداریم که به خاطر آن احساس شرمساری کنیم، تردیدی نیست که در فرصت مناسبی که احتمالا چندان هم دور از دسترس نیست، کردهای ایران نیز یکبار دیگر توان و قدرت خویش را در منطقه نشان خواهند داد، به همین دلیل، صحبت‌های من در کنگره و در سایر جاها از موضع قدرت و توانمندی بود.

س: پاسخ بارزانی چه بود؟

هجری: بارزانی پاسخی نداشت، در واقع، هنگامی که من از مطالب مطرح شده در آنجا گله‌مند شدم، مدیریت جلسه از جانب بارزانی به عدنان مفتی واگذار شده بود، ایشان پاسخ حرف‌های من را داد، پاسخش این بود که با توجه به اعتراض من، پیشتر باید با سایر نیروها و جریانات، به ویژه با ما مشورت می‌شد، زیرا این کنگره به همین دلیل برگزار شده است که همگان نظرات و صحبت‌هایشان را در آنجا مطرح کنند. در رابطه با مبارزه‌ی مسلحانه نیز در بیانیه‌ی کنگره این بند اصلاح گردید که مبارزه در هر بخش از کردستان با در نظر گرفتن وضعیت حکومت آن منطقه به پیش خواهد رفت، ابتدا بحث از پیام آشتی برای تمامی ملت‌ها و دولت‌ها بود، اما پس از صحبت‌های من، گزاره‌ی اصلاحی "یا در نظر گرفتن وضعیت حکومت‌ها" گنجانده شد.

س: گفتید که به حزبتان و تاریخ حزبتان افتخار می‌کنید، آیا احساس نمی‌کنید که

یکدیگر را آزموده‌ایم. به نظر من، همه‌ی ما درس گرفتن از تجارب گذشته، به این نتیجه رسیده‌ایم که دیگر زمان آن عملکردها و تفکرات به سر آمده است و اگر بخواهیم در آینده‌ی ایران و کردستان ایران نقش داشته باشیم و تأثیرگذار باشیم و به سود ملتمان عمل کنیم، باید از فرصت‌ها بهترین بهره را ببریم، زیرا زمان آن گونه عملکردها، برخوردها و تفکرات به کلی سپری شده است.

از نظر ما مسأله‌ی جنگ و حل مشکلات از طریق توسل به اسلحه و دشمنی با یکدیگر، دست کم از دیدگاه ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران تمام شده است، به همین دلیل ما براساس این سیاست و تحلیل، مدت‌هاست که مذاکره و گفتگو با دیگران بر اساس احترام متقابل را در پیش گرفته‌ایم، این گونه رفتار کرده‌ایم و توانسته‌ایم فضایی را فراهم کنیم که بتوانیم گرد هم آمده و به جای مناقشه و تعارض با یکدیگر، به تعامل و همکاری بپردازیم. در این رابطه حتی با رفقایی که چند سال قبل از حزب دمکرات جدا شدند، فصل جدیدی را آغاز نموده‌ایم. مدت یک سال است که در حال مذاکره با آنها هستیم، درباره‌ی موضوعات سیاسی ایران و کردستان، با یکدیگر مشورت می‌کنیم، با جریانات دیگر نیز چنین وضعیتی داریم. این مسأله منجر به ایجاد فضایی شده است که همان گونه که فرمودید، در کنگره‌ی ملی که انتخاباتی دمکراتیک در آن برگزار شد و نمایندگانی تعیین شدند، با یکدیگر همکاری می‌کنیم و هدف ما این نیست که هر یک در پی اهداف حزبی خویش باشیم، از نظر ما مهم این است که اگر این کنگره موفق باشد، می‌تواند اهداف والایی را پیگیری نموده و به سود و مصلحت ملت کرد باشد، به همین دلیل، بیشتر مسأله‌ی ملی را در نظر داریم، این امر نه تنها در رابطه با مسأله‌ی کنگره‌ی ملی، بلکه در سایر موارد نیز صدق نموده است، مثلا در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری ایران، همگی ما یعنی احزاب کردستان ایران، بیانیه‌هایی همسو صادر نمودیم، همگی به این نتیجه رسیدیم که مشترکا و یکصدا از مردم بخواهیم رأی ندهند، در مسائل دیگر نیز با یکدیگر همکاری داریم.
س: اما نتوانستید بیانیه‌ی مشترکی صادر کنید.

هجری: بیانیه‌ی مشترکی که همه را در بر گیرد، خبر، اما همگی یک موضوع را مطرح کردیم، هر جریانی بیانیه‌ی خود را داشت، اما هدف یکی بود و آن نیز تحریم انتخابات بود.

س: آیا حاضرید همین روزها، هر پنج جریان (سه حزب کومله و دو حزب دمکرات) بیانیه‌ی مشترکی در رابطه با کنگره‌ی ملی صادر کنید؟

هجری: هم اکنون در کنگره‌ی ملی گرد هم آمده‌ایم، انتخاباتی میان خود برگزار نمودیم.

س: منظور من، بیانیه‌ی مشترکی میان احزاب کردستان ایران است.

هجری: این مسأله احتیاجی به بیانیه ندارد، ما در آنجا با هیأت‌ها گرد هم می‌آییم، همین هیأت برگزاری که تعیین شده، شامل ۲۱ نفر است، هیأت ما نیز ۵ نفر است، تمامی مسائل را با آنها مطرح می‌کنیم، مسائل ما نیز مشترک است.

س: آیا کنگره‌ی ملی از نظر جنابعالی برای شما و احزاب کردستان ایران حضور جدیدی بود، رسانه‌ها با شور و شوق زیادی حضور شما را پوشش دادند که در چند سال اخیر این گونه نبود، در نخستین نشست نیز شما یکی از کسانی بودید که حرف دل همه را بیان کردید، منظور این است که آیا احساس نمی‌کنید کنگره‌ی ملی فرصت جدیدی برای شما فراهم نموده است؟

ما، بلکه برای سازمان‌ها و نیروهای سیاسی دیگر نیز فرصت جدیدی بود، این نیز به نظر من از آن روست که نزدیکی میان نیروهای سیاسی کرد از تمامی بخش‌ها در کنگره‌ی ملی در آینده با چه مواعی روبرو خواهد شد و تا چه حد موفق خواهد بود، این چشم‌اندازی است که نیروهای کرد و

مصطفی هجری در گفتگو با خبرگزاری آناه‌ول:

روحانی برای ملت کرد، برنامه‌ی مناسبی در دست ندارد

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران می‌گوید، اگر جمهوری اسلامی ایران حقوق ملت کرد را به رسمیت بشناسد، آنان حاضرند که با میانجیگری جامعه‌ی بین‌المللی، با ایران گفتگو کنند. اکنون تنها احزاب کرد کردستان ایران نمی‌توانند به صورت مستقیم با زمامداران کشورشان از نزدیک گفتگو کنند. در همین رابطه احزاب، جمهوری اسلامی ایران را به عدم پذیرش گفتگو متهم می‌کنند.

مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران که مقر اصلی آن در شهر کویه واقع در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر اربیل قرار دارد، در گفتگویی با AA اظهار داشت که ملت کرد در کردستان ایران همیشه به منظور حل‌وفصل مشکلات فی‌مابین، آماده‌ی گفتگو با تهران بوده است، اما به گفته‌ی ایشان، زمامداران ایران خواستار گفتگو نیستند.

هجری گفت: "حکومت ایران با دیدی امنیتی، ملیت‌های ایران به‌ویژه ملت کرد را نمی‌نگرد. هنگامی که یک شهروند خواستار داشتن آزادی و حقوق اولیه‌ی خود باشد، بلافاصله با اتهاماتی نظیر عامل و وابسته به بیگانگان و ضدیت با نظام روبرو می‌شود، به همین دلیل، صدها فعال سیاسی، مدنی و غیره... اعدام شده‌اند و بسیاری نیز در زندان به سر می‌برند. این مسائل سبب شده‌اند که جوانان کردستان ایران ترک وطن کرده و راهی کردستان عراق یا کشورهای دیگر می‌شوند."

تفاوت ملت کرد در ایران با دیگر ملیت‌های این کشور در این است که ملت کرد سال‌های متمادی است که دارای حزب

سیاسی بوده و در برابر حکومت‌های ایران، سابقه‌ی فعالیت‌های سازمانی گوناگون را دارد. حزب دمکرات کردستان ایران در سال ۱۹۴۵ میلادی تأسیس شده و فعالیت و مبارزه‌ی سیاسی و مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را در سال ۱۹۷۹ آغاز نمود.

هجری درباره‌ی نقش ملت کرد در ایران اظهار داشت: "مردم کرد کردستان ایران در این کشور از موقعیت والایی برخوردارند و ملیت‌های دیگر ایران، ملت کرد را به مثابه الگویی می‌نگرند و به همین دلیل، رژیم جمهوری اسلامی، از پذیرفتن و به رسمیت شناختن حقوق و مطالبات ملت کرد اجتناب می‌ورزد. رژیم ایران از این می‌هراسد که اگر حقوق ملت کرد را بپذیرد و به رسمیت بشناسد، ملیت‌های دیگر نیز خواستار تحقق و دستیابی به حقوق خود شوند و به تبع آن، کشور دچار از هم‌گسیختگی جغرافیایی شود."

در سال ۲۰۰۵ ملیت‌های کرد، عرب، آذری، بلوچ و ترکمن پیماننامه‌ای را تحت عنوان ملیت‌های ایران منعقد نمودند و خواستار برقراری ایران "فدرال" شدند تا همه‌ی ملیت‌ها در مناطق خود از حق خودگردانی برخوردار باشند. دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در این‌باره گفت: "جمهوری اسلامی، نظام فدرالی را نمی‌پذیرد و نمی‌خواهد که حقوق ملیت‌های ایران محقق شود. اگر نظام فدرالی برقرار شود، هماهنگی میان ملیت‌ها بیشتر می‌شود و جایگاه کشور نیز در سطح بین‌المللی و جهانی متفاوت‌تر از جایگاه کنونی آن خواهد بود."

مصطفی هجری درباره‌ی حقوق ملت کرد در کابینه‌ی جدید حسن روحانی گفت: "روحانی برای ملت کرد، برنامه‌ی مناسبی در دست ندارد. تلاش و کوشش ایران در تعامل با غرب بر سر مسأله‌ی غنی‌سازی اورانیوم و بهبود بخشیدن زیربنای اقتصادی کشور است، وگرنه ایران برای بهبودی زندگی روزانه‌ی مردم هیچ برنامه‌ای ندارد. لازم به ذکر است که تنها در سه ماهه‌ی نخست بر سرکار آمدن دولت روحانی، ده‌ها نفر اعدام شده‌اند."

کردهای ایران از سال ۱۹۸۰ به بعد، با رهبران انقلاب و انقلابیون تازه برسرکار آمده در تهران دچار اختلافات عمیق شدند، (و گفتگوهایی برای حل این اختلافات میان

آنان انجام شد)، اما گفتگوها با شکست مواجه می‌شدند. آخرین دیدار رسمی میان حزب دمکرات کردستان ایران و زمامداران ایران در سال ۱۹۸۹ در وین پایتخت اتریش برگزار شد که دکتر عبدالرحمان قاسملو نیز در آن حضور داشت، اما در آن دیدار دکتر قاسملو و سه تن از همراهانش ترور شدند و حزب دمکرات، جمهوری اسلامی ایران را مسئول انجام این ترور می‌داند.

مصطفی هجری درباره‌ی گفتگو با جمهوری اسلامی گفت: "اگر جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد گفتگو بدهد به شرطی که جامعه‌ی بین‌المللی و جهانی میانجیگری نماید و حکومت ایران حقوق ملت کرد را به رسمیت بشناسد، ملت کرد

آماده‌ی گفتگو خواهد بود."

بر اساس آمار غیر رسمی، در کشور ایران ۱۰ میلیون کرد زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۱۱ میلادی آمار ساکنین استان‌های ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی، ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام شده است.

مصطفی هجری در ادامه‌ی گفتگو با AA، درباره‌ی آینده‌ی ایران گفت: "حزب دمکرات کردستان قریب ۶۸ سال است که برای آزادی ملت کرد مبارزه می‌نماید و این مبارزه همچنان ادامه خواهد یافت. ما معتقدیم که عمر حکومت جمهوری اسلامی به‌سر آمده است و با وضعیت و شرایط کنونی سختی ندارد."

سلام اسماعیل‌پور

گزارشی که توهم را زدود



سیاسی کرد و بلوچ ارائه شده بود، با این حال حاکی از وضعیت ناگوار حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، به ویژه پس از روی کار آمدن دولتی بود که با شعار فریبنده‌ی "اعتدال" و تأمین حقوق مدنی و حل مسأله‌ی تبعیضات ملی، جنسیتی، دینی و... روی کار آمد، اما نخستین گزارش احمد شهید در دوران ریاست جمهوری روحانی علنا نشان داد که انتظار تغییر و دگرگونی در بنیادها، سیاست‌ها و ساختار جمهوری اسلامی، رؤیایی بوده که توهم‌آمیز بودن آن بسیار زودتر از حد انتظار، بر همگان آشکار شده است.

محدودیت‌های گسترده‌ای علیه حقوق اساسی مردم ایران، به ویژه در نمونه‌های مرتبط با جنسیت، قومیت، اعتقادات، دیدگاه‌های سیاسی، دینی و فرهنگی شده است.

در اینجا منظور آن است که مقامات رژیم با این ادعا که مفاهیم حقوق بشری بایستی به تناسب شرایط بومی کشورها در نظر گرفته شوند، تعارض قوانین و اقدامات خود با قواعد بین‌المللی حقوق بشر را به دلیل اعتقادات مذهبی، موجه می‌شمارند. به طور کلی، گزارش این‌بار احمد شهید، علیرغم اینکه پیش از اعدام فعالان

می‌شود.

وضعیت عرب‌ها در اهواز، کردها به ویژه "کشتن کولبران" در مناطق مرزی، گزارشی از اعدام ۶مرد و ۵ زن در زاهدان در ژوئیه‌ی امسال، نمونه‌های دیگری هستند که در گزارش احمد شهید به آنها پرداخته شده است. گزارش همچنین به بازداشت ۲۰ مسیحی در ژوئیه‌ی ۲۰۱۳ و ۱۰۹ بهایی در ماه می امسال و ۱۴ درویش گنابادی در ماه ژوئیه اشاره نموده است. احمد شهید همچنین اشاره می‌کند که "نگرش نسبی‌گرایانه‌ی" رژیم ایران در قبال مسأله‌ی حقوق بشر باعث ایجاد

بین‌المللی و تعهدات رژیم همخوانی ندارند. در رابطه با اعدام‌ها نیز می‌گوید: "از ژانویه‌ی ۲۰۱۲ تا ژوئن سال جاری، ۷۲۴ حکم اعدام در ایران به اجرا در آمده و فقط در نیمه‌ی نخست امسال (۲۰۱۳) ۲۰۲ تن اعدام شده‌اند."

احمد شهید از رژیم ایران می‌خواهد که در احکام اعدام صادره، تجدیدنظر نماید. به دنبال همین درخواست بود که موج اعدام زندانیان سیاسی کرد و بلوچ تنها در یک روز ۱۸ تن را قربانی نمود و لک‌های ننگی بر پیشانی رژیم و زمامداران آن بر جای گذاشت.

نمونه‌ی دیگری از موارد نقض حقوق بشر که در گزارش بدان اشاره شده، بحث از سایر انواع مجازات‌های ضد بشری و خشونت‌آمیز در جمهوری اسلامی است، به عنوان مثال، شلاق زدن، قطع و درآوردن اعضای بدن و سنگسار انواع دیگری از شکنجه هستند که براساس مصوبه سال ۱۹۹۷ کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، در زمره‌ی موارد نقض قواعد حقوق بشر گنجانده شده‌اند.

در رابطه با ملیت‌های تحت ستم، احمد شهید از فشار بر اقلیت‌های قومی و فرهنگی! همانند "عرب‌ها، کردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها و مدافعان حقوق آنان سخن گفته و همچنین می‌گوید نزدیک به ۸۸۰ هزار نفر از مهاجران افغانی ثبت‌نام شده‌اند، در حالی که گفته می‌شود آمار مهاجرین غیرقانونی افغانی در ایران به ۱/۵ میلیون نفر بالغ

تازه‌ترین گزارش احمد شهید، گزارشگر ویژه‌ی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران، نگاه جدیدی به وضعیت حقوق بشر، به ویژه پس از روی کار آمدن حسن روحانی انداخته است.

احمد شهید تبعیض جنسیتی، قومی (ملی) و نقض مستمر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم را "مشخصه‌ی وضعیت حقوق بشر" در ایران ارزیابی می‌کند. براساس این گزارش، جمهوری اسلامی تاکنون پاسخی به نامه‌های او در رابطه با مسأله‌ی نقض حقوق بشر در ایران نداده است.

گزارش مزبور، قوانین رژیم از قبیل قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۷)، قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) و قانون جرائم سایبری را ناقض حقوق مردم در رابطه با آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات و تجمع براساس قوانین و مقررات بین‌المللی دانسته است.

گزارش همچنین می‌گوید: در ماه ژوئیه‌ی سال جاری ۶۷ کافیت در ایران تعطیل و نزدیک به ۵ میلیون وب‌سایت بلوک شده‌اند، همچنین در آن، نموداری از مسدود ساختن ۹۴۶ صفحه از وب‌سایت ویکی‌پدیا ارائه شده است.

تا هنگام تهیه‌ی این گزارش، ۴۰ روزنامه‌نگار و ۲۹ وبلاگ‌نویس در زندان به سر می‌برند. همچنین گزارش می‌گوید که چگونگی دادرسی، صدور احکام و مجازات‌های اجرا شده در ایران، با قواعد

سلفیت جهادی و تأثیرات آن بر اسلامگرایان کردستان



مهیا شد و آنان توانستند از هر کدام از این انقلاب‌ها به گونه‌ای استفاده نموده و از آن در جهت تقویت و تحکیم موقعیت خویش بهره گیرند.

اگرچه هیچ یک از این انقلاب‌ها متجر به روی کار آمدن سلفی‌ها و ایجاد امارت و خلافت اسلامی نگردید، اما سلفیت جهادی با تمامی شعبات و شاخه‌های آن، به ویژه سازمان القاعده از این انقلاب‌ها به سود خویش بهره‌ها برد. به عنوان مثال، آنان علاوه بر تقویت تشکیلات خویش در این کشورها، توانستند با استفاده از انبوه سلاح‌ها و مهماتی که در جنگ لیبی به دست آوردند، تمامی جبهه‌های جهادی آفریقا را تقویت نمایند. آنان سپس توانستند انقلاب سوریه را مصاحده نموده و در وضعیت حساس پیش آمده، یک جبههی نیرومند جهادی، هم به منظور سرنگونی بشار اسد و هم به منظور اجرای شریعت و تأسیس امارت اسلامی در بلاد شام گشودند که هم اکنون این جبهه در نیرومندترین حالت خویش قرار دارد به گونه‌ای که هم سلطه‌ی خود را بر یک منطقه‌ی جغرافیایی وسیع گسترانده و هم نوعی از نبردهای کلاسیک جبهه‌ای را تجربه نموده که پیشتر آن را نیازموده بود. به طور کلی می‌توان گفت که هم‌اینک سلفیت جهادی در اوج قدرت خویش قرار داشته و علاوه بر قدرت و پیروزی‌های کسب شده در سوریه، در سایر جبهه‌ها نیز توش و توان تازه‌ای یافته است.

در عراق و په تبع آن در اقلیم کردستان نیز فعالیت‌های آن رو به افزایش نهاده، جهاد

نمود که سبب تجدید قوای سازمان‌های جهادی القاعده و انصارالاسلام شد و یکبار دیگر نیز بر اسلامگراهای جهادی تأثیر گذاشت. بطور مثال، جهاد افغانستان یکبار دیگر تحت تأثیر جهاد عراق فعالیت خود را آغاز نمود، در کشورهای عربی و اسلامی شانه‌ها و تشکیلات وابسته به القاعده، نیرویی دو چندان یافتند و برای جبهه‌های جهاد، مجاهد روانه نمودند، در کردستان نیز هواداران این روند تجدد حیات نمودند و در عمل نیز، از سویی، تشکیلات خود را نیرومند ساختند و از سوی دیگر در جهاد عراق مشارکت نمودند. سلفی‌های کردستان ایران از همان اوایل آغاز جهاد عراق، نخستین گروه سلفی جهادی را تأسیس نمودند و همزمان فعالیت‌های تبلیغی گسترده که انجام می‌دادند، به فرستادن مجاهد و داوطلب به جبهه‌های جهادی عراق و افغانستان اقدام نمودند که این روند در چند سال گذشته به صورت مستمر تداوم یافته است و ده‌ها جوان سلفی کردستان ایران در عراق، پاکستان، افغانستان و سوریه جان خود را از دست داده‌اند. همزمان سلفیت در کردستان ایران نیرومند شده و بیش از پیش تحت تأثیر و زیر سایه‌ی تأثیرات روند اسلامگرایی جهانی قرار گرفته و ارتباط و همبستگی بیشتری و نیرومندتری با این روند یافته است.

بدون تردید، کمرنگ شدن جهاد در عراق نزدیک بود که تأثیرات منفی بر جنبش سلفیت جهادی بگذارد و هر چند که جنبش به طور کلی، به ویژه القاعده توانسته بود همزمان با جهاد عراق، جهاد افغانستان را نیز تقویت نموده و چندین جبهه‌ی جهادی دیگر نیز در کشورهای عربی و آفریقایی بگشاید، لیکن کمرنگ شدن جهاد عراق و شکست برنامه‌های القاعده و سلفیت جهادی در این کشور، بازهم تأثیر منفی بر کلیت جبهه‌ی جهادی نهاد و سلفی‌های کردستان ایران را نیز دچار تردید و دودلی نمود، این در حالی بود که برخی اختلافات جدی درونی، تشکیلات سلفیت جهادی در کردستان ایران را فرا گرفته بود.

از همین رو، با آغاز انقلاب‌ها در کشورهای عربی و آفریقایی، یک‌بار دیگر عرصه برای تاخت و تاز سلفیت جهادی

جهادی و نیز تأثیرات جهادی جهانی بر سلفیت جهادی کردی می‌باشد.

سازمان القاعده پس از وارد نمودن ضربه‌ی سنگین ۱۱ سپتامبر بر آمریکا، دچار نوعی غرور شده و می‌پنداشت که برای همیشه به تجاوزات این نیروی قدرتمند جهانی به مناطق دیگر جهان، به ویژه کشورهای عربی و اسلامی پایان داده است. به تصور اسامه بن‌لادن، آمریکایی‌ها ترسو هستند و اگر بتوانند جنگ را به داخل خاک آن‌ها ببرند، دیگر دست از سر مسلمانان بر خواهند داشت و نیروهای خود را از منطقه خارج خواهند کرد و این نیز، راه را برای لشکرکشی سپاه مسلمانان یعنی نیروی مشترک القاعده و طالبان به کشورهای دیگر اسلامی هموار خواهد ساخت تا بتوانند در آینده، امپراتوری بزرگ اسلامی را تأسیس نمایند. اینگونه اندیشیدن بن‌لادن در داخل سازمان القاعده، مخالفان بسیاری داشت و برخی از فرماندهان القاعده، برخلاف آن می‌اندیشیدند. هرچند ۱۱ سپتامبر به طور موقت، تور اسلامگرایی را در جهان بسیار گرم نمود، اما چندماه پس از آن، سقوط امارات طالبان به همان میزان و شاید بیشتر نیز جبهه‌ی اسلامگراها را دچار یأس و نومیدی نمود. همچنین سقوط امارت اسلامی بیاره در زمانی که القاعده در گیرودار سیری نمودن مرحله‌ای بحرانی و پیچیده بود، طرفداران سلفیت جهادی را دوچندان دچار دلسردی نمود.

اسلامگراهای کردستان همچنان بخشی از نیرویی بودند که تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته و در هنگام کسب موفقیت‌ها ترغیب و تهییج شده و در زمان شکست و عقب‌نشینی نیز مایوس و ناامید شده‌اند. اما بدون شک، تأثیرات موفقیت‌ها بر روی آنها بیشتر بوده است. به عنوان مثال، آن اندازه که تأسیس امارات بیاره، تأثیرات مثبت پر روی آنها داشت، سقوط این امارات، تأثیرات منفی نداشته است.

تنها چند ماه پس از هجوم نظامی آمریکا به عراق و سقوط رژیم صدام حسین، جبهه‌ی اسلامگراها و سلفیت جهادی امکان و فرصت سازماندهی مجدد را در اوضاع و شرایط جدید به دست آورد و بسیار سریع، فعالیت‌های جهادی وافر ی را در عراق آغاز

مختار هوشمند

مقدمه: سلفیت جهادی، عقیده‌ای است که توانسته در مدت چند دهه‌ی گذشته، به طرز نیرومند و گسترده‌ای سازمان یابد و در قالب یک سازمان جهانی، مرزهای منطقه‌ای و محلی را پشت سر بگذارد و در بلاد اسلامی گسترش یافته و حتی در سایر مناطق جهان نیز نفوذ یابد.

اکنون سازمانی چون القاعده که بزرگترین سازمان سلفی جهادی در جهان می‌باشد، در ۷۰ کشور دارای شاخه، شعبه و تشکیلات می‌باشد و تاکنون در بیشتر این کشورها، عملیات جهادی و فعالیت‌های گوناگون نظامی و تروریستی انجام داده است. در مدت یک دهه‌ی گذشته، کار و فعالیت‌های این گروه و تمام جنبش‌های سلفی جهادی به صورت مستمر در زیر سایه‌ی حوادث منطقه‌ای و جهانی، کاهش و یا فزونی یافته و دچار افول یا شکست‌های بزرگ و جدی شده و دوباره سازمان و توسعه یافته است.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که اینگونه عقاید علیرغم داشتن مخالفان و دشمنان بسیار، علاقمندان و رهروان بسیاری نیز دارند و حتی برخی جریان‌ها و حکومت‌های منطقه و جهان نیز وجود این گروه‌ها را می‌پسندند و به شیوه‌ی مستقیم و غیر مستقیم از آن بهره می‌جویند. انجام اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر آمریکا که تاکنون نیز به عنوان جدی‌ترین اقدام و فعالیت یک جریان مخالف ایالات متحده‌ی آمریکا در داخل این کشور قلمداد می‌شود، سقوط امارت طالبان که با کشته شدن صدها مجاهد و فرمانده‌ی القاعده و اخراج این گروه از افغانستان همراه بود، سقوط امارت انصارالاسلام در بیاره، آغاز جهاد در عراق و سازماندهی مجدد القاعده و انصارالاسلام، کشته شدن اسامه بن‌لادن و نیرومند شدن القاعده پس از ایجاد تغییرات در کشورهای عربی، اصلی‌ترین حوادث و تغییراتی هستند که تأثیرات مثبت و منفی بر جنبش سلفیت جهادی و سازمان القاعده گذاشته‌اند. اما آنچه که در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهیم داد، تأثیرات اخیر کشورهای عربی بر سلفیت

ملت کرد هزینه‌های آزادی را می‌پردازد



بر این است که شهید زنده‌یاد، دکتر قاسملو کاملاً می‌دانست که بهای آزادی ممکن است بسیار سهمگین و دلخراش باشد، پس "ملتی که خواهان آزادیست، بهای آن را نیز باید بپردازد". اما باید از این پس دادن چنین هزینه‌هایی دیگر بسا ریختن خون و گرفتن

چکو احمدی

پروسه‌ی رسیدن به هر هدفی نیازمند هزینه‌هایی برای استحکام هرچه بیشتر پایه‌های آن و دستاوردهای کسب شده در راستای آن است. در کشورهای دیکتاتوری هزینه‌های آزادی بسیار سنگین بوده و در بیشتر مواقع با ریخته شدن خون انسان‌ها توأم می‌باشد.

ملت کرد هرگاه که موقعیتی فراهم شده، با قدرتمدارانی روبرو بوده که با کشتن و اعدام به مطالباتش پاسخ داده‌اند. در کشور ایران نیز به درازای تاریخ حاکمیت رژیم شاهنشاهی و اسلامی ایران، همیشه فعالیت‌های ملت کرد در راستای رسیدن به حقوق انسانی و آزادی، بسا اعمال غیر انسانی و اعدام و شکنجه پاسخ داده شده و در این مقطع نیز که رژیم ادعای برپایی دولتی مبنی بر تدبیر و امید و اصلاحات را دارد، باز هم با خواسته‌های ملت کرد به سخت‌ترین و وحشیانه‌ترین شیوه برخورد

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

بازتاب

معتصم نورانی

سی و سومین سالگرد قتل عام ایگریقاش

روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۹ یادآور رویدادی تلخ و وحشتناک در تاریخ ملت کرد است. درست یک سال از تسخیر سفارتخانه‌ی آمریکا در تهران می‌گذشت و جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که این روز، روز مبارزه با استکبار جهانی و آن روز دانش‌آموز است و از آن به عنوان روزی برای عدالت اجتماعی و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم یاد می‌کرد. اما در همان روز، تیرداران و قه‌به‌دستان و بسیجی‌های رژیم جمهوری اسلامی به سرپرستی آخوند حسینی، نماینده‌ی خمینی در ارومیه، ظهیرنژاد فرماندهی لشکر ۶۴ و معبودی و قطاری که قبلاً ساواکی و دست‌اندرکار رژیم شاهنشاهی و اینک پاسداران انقلاب و دست‌اندرکاران کمیته‌های انقلاب بودند، با حمایت تانک و توپخانه و ماشین‌های مجهز به سلاح‌های آتشبار با نیت ایجاد رعب و وحشت در میان مردم کرد به روستای ایگریقاش از توابع شهرستان مهاباد واقع در فاصله‌ی ۵ کیلومتری این شهر یورش بردند. ابتدا دورتادور این روستا را محاصره کردند. سپس به بهانه‌ی پاکسازی و خلع سلاح روستائیان وارد این روستا شدند. از مردم خواستند که سلاح‌های خود را تحویل دهند. در صورتی که چند روز پیشتر، سپاه سلاح‌های مردم این روستا را جمع‌آوری کرده بود و در مقابل این سلاح‌ها، مردم رسید دریافت کرده بودند. مردم بی‌دفاع و بی‌گناه این روستا که خود را از هر خطایی میرا می‌شمردند، ناگهان از هر سو مورد هجوم پاسداران جمهوری اسلامی ایران واقع شدند. پاسداران و بسیجی‌های قه‌مه‌کش و تبر به‌دست و ژ-۳ به‌دست، به طرز وحشیانه و جنایتکارانه‌ی به خانه‌های مردم ریختند و به زن و کودک و پیر و جوان رحم نکردند. دیری نیاید که بیش از ۳۵ نفر از اهالی بی‌گناه روستا را به شیوه‌ای وحشیانه به قتل رساندند. مردم این روستا را در خون خویش غلطاندند. سپس شروع به سوزاندن و غارت اموال مردم کردند. رژیم جمهوری اسلامی در اولین سالگرد تسخیر سفارت آمریکا به بهانه‌ی مبارزه با استکبار جهانی، با یورش ددمنشانه به روستای ایگریقاش و قتل‌عام وحشیانه‌ی اهالی این روستا ژینوساید دیگری در کردستان به راه انداخت. البته با این عمل می‌خواست با ایجاد رعب و فشار بر خلق کرد آنها را وادار کند که از خواست‌ها و حقوق ملی خویش که طی سالیان دراز در این راه مبارزه کرده و قربانی داده‌اند، چشم‌پوشی نمایند، غافل از این که اراده‌ی پولادین مردم کردستان محکم‌تر از آن است که رژیم جمهوری اسلامی با به‌راه انداختن کشتارهای جمعی، نسل‌کشی و آسیمیلاسیون آن را تضعیف و ناتوان نماید. گرامی باد یاد شهدای ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۹ روستای ایگریقاش.

ویتامین A، ضد سرطان است



این پژوهش بر روی ۶۹ هزار و ۶۳۵ زن و مرد ۵۰ تا ۷۰ ساله انجام شده است و روزانه، ویتامین A از طریق قرص یا خوراکی‌های حاوی ویتامین به آنها داده شده و مشخص شده است که مصرف منظم ریتینول، خطر ابتلا به سرطان پستان را به میزان ۶۰ تا ۷۰ درصد کاهش می‌دهد. اما نتیجه‌ی این پژوهش نباید سبب افزایش مصرف این نوع ویتامین شود، زیرا مصرف بیش از حد و خودسرانه‌ی ویتامین A می‌تواند سبب مرگ شود.

بر اساس یک پژوهش پزشکی جدید، مصرف روزانه یک عدد قرص ویتامین A می‌تواند از ابتلا به سرطان پستان به ویژه در زنان جلوگیری کند. این پژوهش که توسط «میرام اسکار» پژوهشگر آمریکایی انجام شده، ثابت نموده است که مصرف روزانه یک عدد قرص ویتامین A، از ابتلای انسان به سرطان جلوگیری می‌کند. بدیهی بود که ماده‌ی «ریتینول» که از مواد اصلی تشکیل دهنده‌ی ویتامین A می‌باشد، انسان را از ابتلا به این بیماری محافظت می‌کند و تأثیرات این ماده بر اشعه‌ی خورشید، به ویژه برای افرادی که حمام آفتاب می‌گیرند، بیشتر است.

مردها از تبلیغات ضد چاقی بیزارند



نمایند. هرچند آگاه نمودن افراد چاق از مشکلات ناشی از چاقی، نیازمند هزینه کردن میلیون‌ها دلار و تبلیغات ویژه‌ای است که می‌بایستی در این زمینه انجام شوند. اما بر اساس تحقیقات گوناگونی که انجام شده، مشخص شده است که انسان‌ها و به ویژه مردان از تبلیغاتی که درباره‌ی مشکلات گوناگون مربوط به سلامت انسان پخش می‌شود، بیزارند و همین امر سبب شده است که فروش تولیدات شرکت‌هایی که در زمینه‌ی کاهش وزن فعالیت می‌کنند، سیر نزولی داشته باشد و تولیداتی که در بازار یافت می‌شوند، به دلیل عدم شناخت مردان از آن محصولات، فروش آن‌ها در حد انتظار نباشد. زیرا مردان زمانی که در رسانه‌های ارتباط جمعی، تبلیغات مربوط به مشکلات پزشکی و سلامت خود را مشاهده می‌کنند، احساس بیزاری و تنفر می‌کنند.

مراکز پزشکی آمریکا اعلام کرده‌اند که ۳۰ درصد مردان بالای ۲۰ سال سن به چاقی مبتلا هستند و این میزان در مورد زنان نیز صدق می‌کند. این موضوع سبب شده است که شرکت‌های بزرگ به تولید خوراکی‌های ویژه جهت پیشگیری از چاقی اقدام نمایند و برای پیشبرد فروش تولیداتشان به انجام تبلیغات گوناگون در رسانه‌های ارتباط جمعی روی آورده‌اند و به ویژه برای افرادی که با مشکل افزایش وزن مواجه می‌باشند، تأکید نموده‌اند، اما تنها ۱۵ درصد افرادی که چاق هستند این تبلیغات را از رسانه‌ها می‌بینند. بسیاری از افرادی که خود چاق هستند، دلیل افزایش وزن، افزایش فشار خون و میزان کلسترول خون خود را شغلشان می‌دانند. شرکت‌های تولیدکننده‌ی خوراک ویژه‌ی کاهش وزن با در نظر گرفتن این دلیل، در تلاشند تا افراد را از پیامدهای خطرناک کار در برخی مشاغل آگاه

۱۸۵ میلیون چینی، پیر هستند

آمار سال‌خورده‌گان بالای ۶۰ سال در چین به ۱۸۵ میلیون نفر رسید و این میزان، ۱۳/۷ درصد از جمعیت چین را در بر می‌گیرد. آژانس خبر رسانی چین نو اعلام کرد: برای اساس آمار رسمی، آمار افراد مسن بالای ۶۰ سال در چین، ۱۸۵ میلیون نفر است و بر این اساس، آمار اعلام شده ۴ درصد در مقایسه با سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است که در آن سال، ۱۷۷ میلیون نفر بود.

بر همین اساس، پیش‌بینی می‌شود که آمار افراد مسن در کشور چین در چند سال آینده ۶۳ میلیون نفر دیگر افزایش یابد و در پایان ۲۰۲۰ به رقم ۲۲۱ میلیون برسد و بر همین منوال، در سال ۲۰۵۰ به رقم ۴۳۷ میلیون نفر برسد.

